



Volume 1, Issue 2, 2021

Adultery and Human Dignity

Seyed Mohammad Hasan Lavasani ^{1*}

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Humanity, University of Shahed, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 25-32

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-9164-9136

TELL: +989127502630

Email: Smhl72@yahoo.com

Article history:

Received: 25 Apr 2021

Revised: 28 May 2021

Accepted: 05 Jun 2021

Published online: 22 Jun 2021

Keywords:

Adultery,

Punishment,

Dignity.

ABSTRACT

In this paper, the Islamic view of the principle of the implementation of punishment is expressed and then the components of human dignity in the punishment of adultery are discussed in two parts. First, the stage before the execution of Hadd, under which discussions such as why the punishment, the difficulty of conditions from the implementation of Hadd, the insistence of religious leaders on the lack of proof of the crime and the happiness of the Ali ^(PBUH) from the fall of Hadd, and then the stage of the implementation of Hadd and some of its characteristics Like Islam's unpleasantness of observing the penalty scene, considering the dignity of the weak (the child resulting from adultery) in the process of punishment and finally imposing restrictions on the implementation (relative to the criminal's body and the time of execution) have been discussed.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Lavasani, SMH (2021). "Adultery and Human Dignity". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(2): 25-32.



دوره اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

مجازات زنا و کرامت انسان

سید محمد حسن لوانانی*

۱. استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

چکیده

در این نوشتار ابتدا دیدگاه اسلام نسبت به اصل اجرای مجازات بیان شده، سپس به بررسی مؤلفه‌های کرامت انسانی در مجازات زنا در دو قسمت پرداخته شده است. نخست مرحله پیش از اجرای حد که ذیل آن مباحثی همچون چرائی مجازات، مانعیت دشواری شرایط از اجرای حد، اصرار پیشوایان دینی بر عدم اثبات جرم و شادمانی امیرمؤمنان از سقوط حد مطرح گردیده و سپس مرحله اجرای حد و برخی ویژگی‌های آن نظیر ناخوشایندی اسلام از مشاهدۀ صحنۀ کیفر، لحاظ کرامت ضعیفان (فرزند حاصل از زنا و زن زانیه) در روند مجازات و نهایتاً اعمال محدودیت در اجرا (نسبت به بدن مجرم و زمان اجرا) منعکس شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۲-۲۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۹۱۳۶-۹۱۴۶-۰۰۰۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۷۵۰۲۶۳۰

ایمیل: Smhl72@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی: زنا، مجازات، کرامت.



مقدمه

تردید نیست که امروزه یکی از پر اهمیت‌ترین مسایل، مسأله کرامت آدمی و ارج نهادن به آن است. از این‌رو قوانینی که در مورد مجازات وی وضع شده با توجه به کرامت انسانی ارزیابی می‌گردد. لذا قوانینی که در بردارنده رفتارهای خشن با انسان است، بر لزوم لغو بی‌قید و شرط آنها تأکید می‌شود. باید گفت دامنۀ این ممنوعیت بسیار گسترده بوده و شامل برخی مجازات‌های اسلامی نیز می‌گردد که مجازات زنا در زمرۀ آنها است. چه آنکه از نظرگاه اکثر مجامع حقوقی کیفر زنا، مصداق بارز نادیده گرفتن ارجمندی انسان‌ها قلمداد شده، ضرورت الغای آن و روی آوردن به مجازات‌های جایگزین عاری از رفتارهای خشن مورد تأکید قرار می‌گیرد. البته شماری از پژوهشگران عرصۀ حقوق با توجه به شرایط این کیفر نگرش دیگری به این امر دارند. (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۸۹/۱) با توجه به مطالب یاد شده به نظر می‌رسد تلاش برای پی بردن به واقعیات این مجازات و اهداف آن از منظر قانونگذار اسلام، امری لازم بوده و پژوهشگران را در شناخت هر چه بیشتر ابعاد این حکم جزایی یاری می‌رساند.

۱- دیدگاه اسلام نسبت به اجرای مجازات

۱-۱- عدم تمایل به اجرا

به نظر می‌رسد که دین اسلام تمایل چندانی نسبت به اثبات زنا و در پی آن اجرای حد ندارد؛ به گفته یکی از محققین (قربان‌نیا، ۱۳۷۷: ۴۲۹) ترمذی روایتی را از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است که حاوی نکته بسیار ارزشمندی است که حقوق‌دانان امروزه افتخار بیان آن را دارند: «ادرقوا الحدود عن المسلمين ما استطعتم، فان كان له مخرج فخلوا سبيله؛ فان الامام ان يخطئ في العفو خير من ان يخطئ في العقوبه»؛ یعنی تا جایی که می‌توانید حدود را از مسلمانان دفع کنید [و اگر راهی برای مجازات نکردن یافتید مجازات نکنید]؛ چه آنکه اگر امام در عفو و بخشش اشتباه کند [و کسانی را عفو کند که مستحق نبوده‌اند] بهتر از آن

است که در مجازات اشتباه نماید [و کسانی را به ناحق مجازات کند]. (ترمذی، ۱۴۰۳: ۴۳۸/۲)

۱-۲- دلیل مجازات

یکی از سؤالاتی که فراوان مطرح می‌شود این است که اساساً چرا زناکار باید مورد مجازات قرار گیرد؟ با توجه به شرایطی که قانونگذار اسلام برای اثبات بزه زنا با بینة در محکمه پیش‌بینی نموده است، اجرای کیفر آن منحصر می‌شود به موارد معدودی که بزه‌کار تمامی پرده‌های عفت جامعه را دریده باشد و در ملأ عام و در حضور افراد جامعه به این عمل ننگین دست زده باشد.

حال آیا می‌توان از مخدوش شدن حریم عمومی جامعه گذشت؟ اگر بگذریم به اجتماع و افراد آن خیانت نکرده و کرامت هر دو را نادیده نگرفته‌ایم؟ به نظر می‌رسد که در جوامع بشری چنین عملی در ملأ عام بسیار زشت و غیر قابل تحمل به‌شمار می‌آید. بنابراین، گویا دین اسلام در مقام تدارک لطمه به کرامت جامعه، این کیفر را برای او لحاظ کرده است.

اکنون با توجه به آنچه گفته شد می‌توان این سخن در باب جرایم جنسی همچون زنا را سخنی صحیح و صائب به‌شمار آورد که اگر قانونگذاری، رفتاری را تنها در صورتی که گواهان قابل توجهی بر وقوع آن شهادت دهند قابل کیفر بدانند، از این رویکرد می‌توان چنین استنباط کرد که حساسیت قانونگذار بیشتر ناظر به آشکار بودن آن عمل و رفتار ضد اجتماعی و رابطه آن با جامعه و نظم عمومی است و نه مفسده و بدي ذاتي آن. (نوبهار، ۱۳۷۹: ۱۳۵)

۲- موارد پاسداشت کرامت انسانی در مجازات زنا

این سؤال مطرح است که آیا به واقع با تشریح کیفر جلد و تازیانه برای این بزه، دیگر کرامتی برای بزه‌کار باقی می‌ماند یا خیر؟ برای پاسخ به آن لازم است دو بحث مهم را طرح کنیم.

۲-۱- پاسداشت کرامت انسانی زناکار پیش از اجرای حد

۲-۱-۱- دشواری شرایط اثبات مانع اجرای حد

می‌دانیم که اثبات این عمل از دو طریق امکان پذیر است؛ یکی اقرار شخص و دیگری شهادت شاهدان، اما هر دو طریق از شرایطی بس سخت و دشوار بهره می‌برد که به قول برخی محققین موجب می‌گردد که عملاً هیچ راه اثباتی برای چنین جرایمی نماند یا دست‌کم اثبات آن بسیار مشکل شود؛ (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۵) شرایطی از قبیل لزوم چهار بار اقرار صحیح در چهار مجلس جداگانه یا گواهی چهار نفر مرد عادل که کاملاً با یکدیگر منطبق بوده و به‌دور از هرگونه شک و شبهه‌ای باشد. آنچه بر شگفتی مطلب می‌افزاید فتوایی از صاحب جواهر است مبنی بر اینکه نگاه کردن به عورت زناکاران حتی برای ادای شهادت در دادگاه حرام است، به دلیل آنکه شهادت بر زنا عذر نظر حرام نمی‌باشد، چه آنکه امر به ستر داریم. (نجفی، ۱۳۶۳: ۸۹/۲۹) بنابراین تقریباً هیچ فردی صلاحیت شهادت و ادای آن را ندارد.

از این فتوا چه برداشتی می‌توان نمود؟ از طرفی شاهد زمانی می‌تواند به اقامه شهادت بپردازد که خودش این عمل را به‌طور کامل و روشن مشاهده کرده باشد و از طرفی دیگر باب شهادت دادن بر او بسته است، چرا که نگاه اختیاری و مستمر بر وی حرام است، حتی برای ادای شهادت و اگر مرتکب عمل حرام شود، از عدالت و صلاحیت ادای شهادت خارج می‌گردد، مگر آنکه به صورت تصادفی و غیر عمدی مشاهده نماید که در این فرض عدالت ساقط نشده و شهادت وی نیز پذیرفته می‌گردد. بنابراین تنها راه متعارف اثبات این عمل اقرار است که با انگیزه طهارت مرتکب صورت گیرد، اما این امر نیز در فرهنگ دینی از مطلوبیتی برخوردار نیست، چه آنکه برترین طهارت به فرموده امیرمؤمنان(ع) توبه می‌باشد (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۳۸/۲۸) و دیگر نیازی به اقرار نیست.

به نظر می‌رسد تعبیه چنین شرایطی جز با اهتمام ویژه شارع به کرامت انسانی مجرم و تحفظ بر آن از رهگذر عدم اجرای مجازات وی توجیه‌پذیر نیست.

۲-۱-۲- اصرار پیشوایان دین بر عدم اثبات جرم و اجرای حد

تأمل در اخبار رسیده در باب زنا نشان از آن دارد که شارع اسلام علاوه بر تمهید شرایطی دشوار جهت اثبات جرم، راهکارهای دیگری نیز ارائه نموده که در راستای عدم اثبات بزه و متعاقب آن عدم اجرای کیفر و حد می‌باشد؛ راهکارهایی همچون سرپوش گذاشتن شخص امام و حاکم جامعه بر این عمل، عدم پیگیری بزه در آستانه اثبات، به بیراهه کشاندن اقرار مجرم و تشویق وی به توبه.

این امر به گونه‌ای است که در موارد متعدد با آنکه از جهت عرفی اطمینان به ثبوت بزه حاصل شده، با این حال پیشوایان دین، ثبوت عرفی را نادیده انگاشته، با تعبیه راهکارهایی مانع از اثبات شرعی و افشای آن شده‌اند. این نوع تعامل با بزه و بزه‌کار را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ آیا به‌درستی این برخوردها گویای ارج نهادن به مقام و کرامت انسانی مجرم نمی‌باشد؟

در یک نمونه از این دست مشاهده می‌شود زمانی که فردی نزد پیامبر (ص) چند بار اقرار به زنا می‌کند، پس از دو مرتبه نخست، حضرت صورت خویش را برمی‌گرداند تا اقرار را ناشنیده تلقی نماید و به‌طور غیر مستقیم از وی می‌خواهد که این جریان را مخفی نماید؛ هنگامی که برای سومین بار اقرار می‌نماید، پیامبر می‌فرماید: آیا او اشکالی دارد [مبتلا به جنون است]؟ شاید بتوان گفت این سخن مفهوم آن است که انسان خردمند به چنین عملی اقرار نمی‌کند و بایستی آن را پنهان نماید.

بنابر نقلی پس از چهارمین اقرار و اجرای حد، حضرت بر او تأسف خورده، می‌فرماید: اگر این عمل را پوشانیده بود و سپس توبه کرده بود، برایش بهتر بود؛ این رفتار به وضوح

حکایت از آن دارد که صرف اجرای کیفر در اسلام مطلوبیت ندارد. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۰۱/۲۸)

می‌دانیم که اجرای حدود پس از قطعی گشتن بزه به شدت مورد تأکید پیشوایان دینی در روایات است؛ تا جایی که به فرموده امام باقر و امام کاظم علیهما السلام اقامه یک حد در زمین از باران چهل شبانه روز پربرکت‌تر و پاکیزه‌تر و سودمندتر است (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۲۸/۲۸) و بنابر فرمایش امیرمؤمنان (ع) خداوند به پیامبرش خطاب کرد که هر کس حدی از حدود مرا تعطیل نماید، همانا به دشمنی و مبارزه با من برخاسته است؛ (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۳/۲۸) علیرغم این مطلب در این روایت و در روایات فراوانی که در این باب وارد شده، پیشوایان معصوم نسبت به اثبات جرم و در پی آن اجرای حد آن هیچ تمایلی نشان نمی‌دهند. این امر حکایت از چه می‌تواند داشته باشد؟

۳-۱-۲- شادمانی امیرمؤمنان (ع) از سقوط حد

بنابر روایتی زمانی که امیرمؤمنان (ع) متوجه شد زناکاری عذری دارد که با استناد به آن، مجازات وی تخفیف می‌یابد شادمان گشت. (میرزا نوری، ۱۴۰۷: ۴۴/۱۸) همچنین هنگامی که عده‌ای گواهی دادند بر اینکه زنی با مردی مرتکب عمل شنیع زنا گشته و عمر بن خطاب دستور به اجرای کیفر بر او داد، امیرمؤمنان (ع) او را از این امر باز داشته، پس از بررسی و واکاوی از حال متهم که روشن ساخت وی از روی اکراه به این عمل تن داده، فرمود الله اکبر. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۱/۲۸) که گویا این تکبیر گفتن امام حکایت از شادمانی حضرت داشته است، چنانکه در موارد بسیاری این امر مشاهده می‌شود.

به‌راستی اگر آن همه منافع و آثار بر اجرای حد مترتب است، به هنگام عذر داشتن بزه‌کار بایستی امام خوشنود شود یا اندوهگین و شادمانی حضرت با این امر چگونه قابل توجیه است؟ باید گفت بهره‌مندی اجرای حدود از آثار و برکات فراوان در جایی است که تحقق بزه با همه شرایط سخت آن

قطعی و اثبات شده، اما این امر منافاتی ندارد با اینکه دین اسلام و پیشوایان آن از عدم اثبات بزه به گرمی استقبال نمایند. بنابراین در ارزیابی این نوع واکنش امام به مسأله باید آن را در راستای لطمه ندیدن به کرامت و حرمت انسانی بزه‌کار پیش از اجرای حد تلقی نمود.

۲-۲- به هنگام اجرای حد

۲-۲-۱- ناخوشایندی اسلام از مشاهده صحنه کیفر

هرچند آیه دوم سوره نور بر لزوم اصل حضور طائفه‌ای (گروهی) از مؤمنین در صحنه مجازات و اجرای حد بر زانی تأکید می‌ورزد، اما با این حال مراجعه به روایات گویای آن است که از دیدگاه دین اسلام، اجرای این کیفر و حضور افراد در این مراسم از شرایط و احکام ویژه‌ای بهره‌مند است؛ در ابتدا باید گفت بنابر روایتی حضرت امیر (ع) واژه «طائفه» در آیه شریفه را به یک نفر تفسیر نموده‌اند. (طوسی، ۱۳۶۵: ۱۵۰/۱۰) فقهای شیعه نیز بر طبق همین روایت فتوا داده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۲۲: ۴۸۳/۱۳؛ خویی، ۱۳۹۶: ۲۲۱/۱) علاوه بر این بنابر آموزه‌های دینی تنها از افرادی که حدی بر گردن ندارند، برای مشاهده مراسم اجرای حد دعوت به عمل می‌آید و شایسته نیست که جز نیکان از مردم حضور یابند. (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ۷۸۱)

نکته دیگر اینکه برای حفظ کرامت بزه‌کار حضور عموم مردم به خصوص افراد پست و بی‌مبالات به مسائل دینی در این جمع مطلوب و پسندیده نیست، لذا صاحب وسائل الشیعه بایی را اختصاص داده به کراهت تجمع مردم برای دیدن این صحنه و در ذیل آن روایتی آورده که هنگامی که فردی را در بصره برای اجرای حد آوردند، امیرالمؤمنین (ع) از قنبر پرسیدند این جمعیت برای چیست؟ او عرضه داشت برای اجرای حد، وقتی آنان نزدیک شدند و حضرت به چهره‌هایشان نگریست، فرمود خوش مباد (مبارک مباد)^۱ به

مواردی با رعایت طبیعت زن، مجازات سبک‌تری برای او در نظر گرفته است، چنان که مجازات تبعید را برای زن زناکار غیر محصن وضع نکرده است. (نجفی، ۱۳۶۳: ۳۲۸/۴۱)

همچنین به گفته صاحب جواهر بر خلاف مرد که در حالت ایستادن بایستی تازیانه بخورد، زن زناکار باید بنشیند و حد بر او جاری گردد، چرا که این امر موجب پوشیدگی بیشتر او است، از این رو همچنانکه محقق حلی فرموده لباس هم برتن او پوشانده می‌شود. (نجفی، ۱۳۶۳: ۳۶۱/۴۱)

بنابراین از آنجا که زنان نسبت به مردان از توانایی جسمانی کمتری برخوردارند، کرامت زن زناکار در مجازات بیش از مرد زانی مد نظر اسلام قرار گرفته است.

۳-۳- اعمال محدودیت در اجراء

۳-۳-۱- نسبت به اعضای بدن بزه‌کار

گرچه دین اسلام برای کسانی که حرمت عمومی جامعه را هتک کرده‌اند، مجازات‌هایی در نظر گرفته و در برخی موارد این کیفرها تا سرحد مرگ پیش می‌رود، اما با این حال شخصیت انسانی بزه‌کار و کرامت او را همواره مد نظر داشته و حتی با تحقق چنین کیفری، باز هم او را محروم از کرامت نمی‌داند، از این رو می‌بینیم به هنگام اجرای کیفر نیز باید چارچوب خاصی در نظر گرفته شود و در اجرای مجازات جلد، به بعضی از اعضای بدن او یعنی سر و صورت و شرمگاه نباید تازیانه بخورد.

فاضل هندی در بیان فلسفه پرهیز از زدن صورت و شرمگاه می‌نویسد: چه بسا که زدن این دو به مثله کردن او منجر شود. (فاضل هندی، بی‌تا: ۴۶۰/۱۰) صاحب ریاض هم استثناء این سه عضو را تعلیل آورده به اینکه شاید زدن سر موجب کوری و اختلال در عقل و امثال این‌ها شود، اموری که در تازیانه زدن مورد نظر نمی‌باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۱: ۴۸۱/۱۳)

۳-۳-۲- نسبت به زمان اجراء

چهره‌هایی که در غیر از زشتی و بدی دیده نمی‌شود، ای قنبر، اینان را از من دور ساز. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۴۵/۲۸)

۳- لحاظ کرامت ضعیفان

۳-۱- فرزند حاصل از زنا

بر پایه روایاتی چند (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۰۶/۲۸) که از معصومان نقل شده، اگر زنی مرتکب این عمل شنیع شد و جرم او با اقرار یا بینه در محکمه اثبات گشت، و این زن حامله بود، اجرای حد بر او به تأخیر می‌افتد تا زمانی که وضع حمل نماید، بلکه بر اساس برخی روایات تا زمانی که فردی یافت شود تا نوزاد او را شیر دهد، و بر پایه روایاتی دیگر تا هنگامی که خود او به طفلش شیر دهد و دوران شیرخوارگی طفل سپری شود. (سجستانی، ۱۴۱۰: ۳۴۹/۲)

در برخی روایات این تأخیر در اجرا تعلیل آورده شده به این آیه قرآن که «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (إسراء/۱۵) و تطبیق آن بر این قضیه که این فرزند گناهی ندارد تا کیفر شامل حال وی بشود، همچنانکه امیرالمؤمنین (ع) در اعتراض به خلیفه دوم متعرض این مطلب شدند. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۰۸/۲۸) در اینجا به خوبی می‌توان دریافت که فرزند تولد یافته از این عمل خلاف عفت، هرچند ضعیف است و اصلاً هنوز پا به عرصه حیات نگذاشته، اما از آنجا که هیچ گناهی در این ماجرا ندارد، حفظ جان او مورد اهتمام شدید اسلام است تا جایی که تحفظ بر جان او و به واقع تحفظ بر کرامت او، اجرای حدود با آن برکات را مشمول تأخیر گسترده‌ای می‌سازد.

۳-۲- زن زناکار

به نوشته برخی محققین یکی از نکاتی که در مقررات اسلامی پیرامون کیفردهی به جرم «زنا» به خوبی مراعات شده، رعایت تساوی مرد و زن و عدم جانب‌داری از مرد است، این در حالی است که بسیاری از قوانین ملتها در گذشته و حال در تعیین کیفر برای جرم زنا به گونه‌ای از مرد طرف‌داری کرده است. (نوبهار، ۱۳۷۹: ۱۴۱) اما قوانین اسلام برعکس در

تمام در مقابل دیدگان باز مردم مرتکب چنین عمل ننگینی گردد.

از این گذشته روشن شد که حتی در این فرض نادر نیز کرامت زناکار از منظر اسلام پنهان نمانده و در همین راستا راهکارهایی در سه مرحله پیش از اجرای کیفر، پس از آن و در حین اجرا ارائه شده است. با این حال آیا می‌توان مجازات زنا را منافی با کرامت انسانی به‌شمار آورد؟ با توجه به آنچه گذشت پیشنهاد می‌شود در مجامع حقوقی بازخوانی جامع و نوینی در مورد این مجازات و ابعادش صورت گیرد و به آموزه‌های گسترده کرامت انسانی در آن - اعم از آنچه ذکر شد و غیر آن - توجه بیشتری مبذول شود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: تمامی مراحل نگارش و تنظیم مقاله توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمامی کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید

- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳). سنن /ترمذی. جلد دوم، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). وسائل /الشیعه. جلد بیست و هشتم، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت.

یکی دیگر از محدودیت‌هایی که قانونگذار اسلام نسبت به اعمال کیفر پیش‌بینی کرده است، محدودیت زمانی است، بدین معنا که هرگاه بخواهند بر زناکار تازیانه بزنند، اگر زمستان است، بایستی در گرم‌ترین ساعت روز باشد و اگر تابستان است در خنک‌ترین زمان حد جاری گردد و به فرموده محقق حلی باید حد در زمستان در وسط روز اجرا شود و در تابستان در اول صبح یا آخر روز. (نجفی، ۱۳۶۳: ۳۴۳/۴۱) چه آنکه این امر بنابر نظر صاحب جواهر به جهت ترس از هلاک شدن مجرم اعمال می‌شود و به گفته برخی اقامه حد در غیر این صورت، چه بسا موجب بیماری‌هایی در آینده خواهد شد و بنابراین لازم است در زمانی این مجازات اجرا شود که اثر جانبی کمتری داشته باشد. (شمس، ۱۳۷۶: ۲۱۰)

هشام بن احمر گوید روزی با امام کاظم (ع) در مسجد نشسته بودیم که امام (ع) صدای مردی را شنید که به هنگام نماز صبح در روز به شدت سردی تازیانه می‌خورد، حضرت فرمود این چیست؟ گفتند مردی است که تازیانه می‌خورد، فرمود سبحان الله، در این موقع؟ همانا هیچ یک از حدود بر هیچ فردی در زمستان اجرا نمی‌شود مگر در گرم‌ترین ساعت روز و همچنین در تابستان مگر در خنک‌ترین زمان روز. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۲۱/۲۸)

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد در باب مجازات زنا، شرایط بس سخت و دشواری که از دیدگاه اسلام برای اثبات این بزه در نظر گرفته شده است، گویای آن است که این دین هیچ تمایلی به اثبات جرم ندارد و کیفر جرم را گریزناپذیر نمی‌داند، بلکه مقصود از وضع این مجازات را - با مطلع نمودن مخاطبان از کیفرهای سخت - پیشگیری از تحقق بزه در ظرف خارج می‌داند. علاوه بر این اگر شخصی دامنش به این بزه آلوده شد، چنین نیست که به‌طور حتم مجازات شود، بلکه این مجازات منحصر به جایی است که وضعیت امنیت اخلاقی جامعه به حد بغرنجی رسیده باشد، به گونه‌ای که فردی با بی‌شرمی

- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶). *مبانی تکملة المنهاج*. جلد اول، چاپ دوم، قم: چاپخانه علمیه.
- سجستانی، ابن اشعث (۱۴۱۰). *سنن أبی داود*. جلد دوم، بیروت: دار الفکر.
- شمس، محمد ابراهیم (۱۳۷۶). «فلسفه مجازات‌های حدی». *فصلنامه نقد و نظر*، ۱۲(۴): ۲۰۳-۲۲۳.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰). *المقنعه*. چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الأحکام*. تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵، ج ۱۰.
- طباطبائی، سید علی (۱۴۲۲). *ریاض المسائل*. جلد سیزدهم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- فاضل هندی، محمد (بی‌تا). *کشف اللثام*. جلد دهم، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۷۷). «فلسفه مجازات». *مجله نقد و نظر*، ۱۵(۱): ۴۱۷-۴۸۸.
- قیاسی، جلال الدین؛ دهقان، حمید و خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۸۵). *مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)*. جلد اول، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۵). «مجازات عمل منافی عفت در قرآن». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۴۳(۱): ۲۰-۳۷.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۶۳). *جواهر الکلام*. جلد بیست و نهم، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نوبهار، رحیم (۱۳۷۹). «اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلام». *نامه مفید*، ۶(۳): ۱۳۳-۱۶۲.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۷). *مستدرک الوسائل*. جلد هجدهم، قم: انتشارات آل البيت(ع).